

اثر برگزیده نوزدهمین جشنواره مطبوعات در بخش طنز مکتوب نشریات استانی سراسر کشور

مشاوره اینجانب برای خواب‌های شما (منتشر شده در روزنامه اصفهان زیبا)

---۹۰/۶/۲۶---

یک شهروند اهل ترکیه: خواب دیدم که دریاچه وان ترکیه در حال خشک شدن است و باعث شده که کل منطقه دچار نمک‌زدگی شود. به نظر شما در حال حاضر که این دریاچه سور و مر و گنده هست باید کاری کنیم؟ اگر خشک شود چی؟

اینجانب: شهروند کشور همسایه عزیز، من حرف شما را قبول می‌کنم. ولی تعجبم از این است که شما چقدر فارسی را خوب بلدید و تعجب دیگرم از این است که نمک دریاچه وان کجا بود! به هر حال، اگر شما هم سریال‌های کره‌ای را نگاه کرده باشید حتماً دیده‌اید که در این سریال‌ها نمک عنصر مهمی برای معاملات داخلی و خارجی‌یشان بوده و حتی سر آن با کشورهای همسایه می‌جنگیدند. در نتیجه اگر یک وقت دیدید مسئولان کشور ترکیه که اوضاع اقتصادیشان هم حال و روز خوبی ندارد، این دریاچه را خشک کردند و نمک آن را استخراج نمودند تعجب نکنید چون می‌خواهند به روش قدیم کره‌ای‌ها اوضاع اقتصادیشان را بهبود بخشند. پس اگر این خواب شما هم تعبیر شود جای نگرانی نیست چون نتیجه کار بهبود وضعیت مردم ترکیه است نه دریاچه زپرتی وان.

یک کاربر اینترنت: چند شب پیش خواب دیدم که به تلویزیونمان لوله آب وصل شده است. دیشب هم دیدم که همین اتفاق برای کامپیوترم افتاده. جالب تر اینجاست که لوله متصل به تلویزیون آب داشت ولی لوله متصل به کامپیوترم نه. واقعاً در عجبم که این چه خوابی بود من دیدم.

اینجانب: کاربر گرامی، شما به عنوان یک کاربر اینترنت باید بدانید که علاوه بر کابل تلفن از کابل برق هم می‌شود برای متصل شدن به اینترنت استفاده نمود، پس مسلماً به وسیله لوله آب هم مقدور است. در نتیجه اگر در روزهای آتی دیدید که آب لوله کامپیوترتان هم وصل شده تعجب نکنید چون قرار است اینترنت (اینترنت داخلی) با تکنولوژی جدید از طریق لوله‌های آب به سیستم شما وصل شود تا شما بتوانید از محتویات آن نهایت بهره را ببرید و از دست محتویات بی ارزش و منحرف اینترنت جهانی که به وسیله کابل‌های تلفن وارد سیستم شما می‌شود، خلاص شوید.

یک کودک هشت ساله: خواب دیدم که با شلنگ آب در جلوی خانه‌ایمان با پسرخاله‌ام در حال بازی بودم که ناگهان مورد شماتت عده‌ای قرار گرفتم. الان با پسرخاله‌ی سه‌ساله‌ام می‌خواهم خاله‌بازی کنم ولی می‌ترسم. به نظر شما چه کار باید بکنم؟

اینجانب: کودک عزیز، بازی بازی با دم شیر آب هم بازی؟ شما باید بدانید که در خشکسالی اخیر و موقعیت کنونی همان یک قطره آب هم ممکن است در دسر ساز شود چه برسد به اینکه با شلنگ آب بازی کنید. البته تا آنجا که بنده می دانم ظاهراً خاله بازی مشکلی ندارد ولی با این حال احتیاط کنید و سعی کنید با دخترخاله هایتان این بازی را آن هم در یک اتاق در بسته انجام دهید تا احتمال پیش آمدن مشکل برایتان کمتر شود.

یک شاعر به نون شب محتاج: دوش دیدم به یک دستم پیاله بود، در دست دگر فیش یارانه مچاله بود، خواب بنده چه تعبیری داشته بود؟!

اینجانب: شاعر گرامی، بهتان تبریک می گویم، شما خواب پر معنایی دیده اید. ببینید، اگر مقدار تورم را از زمان شروع پرداخت یارانه ها تاکنون محاسبه کنید متوجه خواهید شد که ارزش واقعی مبلغ پرداختی نصف شده است و اگر همین روند در چند ماه آینده ادامه یابد می بایست یک حساب اعلام نمایند تا مردم مبلغ فعلی را به این حساب واریز کنند تا کار مملکت لنگ نماند. احتمالاً سر آخر هم آن پیاله ای که برایتان مانده را هم باید بفروشید تا بتوانید یارانه تان را بپردازید.

--- ۹۰/۷/۹ ---

یک معتاد دستمال فروش: دیشب خواب دیدم که کنار خیابان بساط پهن کردم و دارم برای امرار معاشم دستمال کاغذی می فروشم. با اینکه قیمت روی دستمال کاغذی ها بیست هزار تومان بود ولی مشتری ها برای خریدنش صف کشیده بودند. در حال و هوای خوبی بودم که یکهو دو تا مامور آمدند مرا جلب کردند و بردند. آخر مگر فروختن دستمال کاغذی برای یک معتاد جرم است که ماموران محترم در خواب هم دست از سر من بر نمی دارند؟

اینجانب: جناب معتاد، مطمئناً شما نتوانسید سر ماموران مذکور را کلاه بگذارید چه برسد به سر اینجانب. خیال کردید بنده اطلاع ندارم که مواد مخدر جدیدی به شکل دستمال مرطوب با نام "السیمن" به بازار آمده است؟ احتمالاً آن موقعی که ماموران ما را جلب کرده بودند، دستمال کاغذی زیاد مصرف کرده بودید و خیال می کردید خواب می بینید. پس بهتر است این قبیل فیلم ها را جلوی قاضی بازی کنید نه جلوی بنده.

مدیر یک هتل در اصفهان: دیشب خواب دیدم با وجود خشک شدن زاینده رود، از بین رفتن آثار باستانی و مسائلی از این دست، تعداد مسافران خارجی ناگهان افزایش چشمگیری پیدا کرده است به طوری که برای اولین بار در هتل ما اتاق خالی پیدا نمی شد. البته تا اینجا خواب بسیار خوبی بود و امیدوارم تعبیر خوبی داشته باشد. ولی چیزی که مرا بسیار متعجب می کرد این نکته بود که با وجود اینکه چهره مسافران خارجی هتل مختلف بود و نشان می داد که اهل کدام کشور یا منطقه هستند ولی همه شان چینی حرف می زدند! به نظر شما آیا تعبیر چنین خوابی ممکن است؟

اینجانب: هتل دار گرامی، ظاهراً شما در جریان نیستید، چون قرار است بعد از واردات انواع کالاها و موجودات چینی، گردشگر چینی هم وارد کشور شود. حال با توجه به تخصص چینی‌ها در مشابه سازی هر چیز و برای آنکه کسی این وسط پیدا نشود که بگوید چرا ما از سایر کشورها گردشگر نداریم و فقط از کشور دوستان چین گردشگر جذب می‌کنیم، قرار شده است با تغییر ژن و جراحی‌های پلاستیک این گردشگران را با چهره‌های مختلف مردم کشورهای جهان در بیاورند تا این مسئله در افکار عمومی جا بیفتد که ما از اقصی نقاط دنیا گردشگر خارجی داریم.

یک خانم خانه‌دار: خواب دیدم که در آشپزخانه منزلمان که یک آپارتمان است در حال آشپزی هستم که ناگهان شخصی که از پشت بام آویزان شده است به پنجره می‌کوبد و می‌گوید خانم برو رسیورت رو بیار تحویل بده! می‌خواستم ببینم واقعاً خواب زن چپ است یا من در را با پنجره اشتباه گرفتم؟! به نظر شما باید چه کار کنم؟

اینجانب: خانم محترم، بر خلاف عده‌ای که می‌گویند خواب زن چپ است، اتفاقاً خواب شما در این مورد اصلاً چپ نبوده است. شما برای آنکه خیالتان از این بابت راحت باشد که در را با پنجره اشتباه نمی‌گیرید، کافیست به ازای هر پنجره بیرونی ساختمان یک زنگ تعبیه کنید، فقط لازم است برای اینکه دچار اشتباه نشوید صدای هر زنگ را متفاوت انتخاب کنید تا در زمان لازم بدانید زنگ کدام در یا پنجره را می‌زنند و می‌بایست از کدام در یا پنجره رسیورت خودتان را تحویل بدهید.

یک گاودار ورشکسته: چند شبی هست که خواب می‌بینم گاوهای من و سایر همکارانم در حال پرواز هستند و تعدادشان روز به روز کمتر می‌شود و ما هم برای جلوگیری از پرواز گاوها هیچ کاری از دستمان بر نمی‌آید. به نظر شما باید چه کار کنیم تا در خواب‌های بعدی بتوانیم لااقل چند گاو را از پرواز کردن منصرف نماییم؟ به نظر شما مشکل اصلی این گاوها واردات بی رویه است؟

اینجانب: گاودار عزیز، بر خلاف نظر بعضی‌ها که می‌گویند واردات بی رویه باعث و بانی پرواز این گاوها هستند، بنده به شما اطمینان می‌دهم که مشکل اصلی خود شماست. شما گاوهایتان را اگر خوب تربیت می‌کردید و بهشان چگونگی تولید شیر و گوشت زیاد را می‌آموختید و از لحاظ روانی روی آنها کار می‌کردید که به جای زاییدن یک گوساله، در هر زایمان هفت، هشت گوساله می‌زاییدند و خلاصه مطلب اینکه مغز نداشته‌شان را با آب حسابی شست و شو می‌دادید این اتفاق نمی‌افتاد. اصلاً می‌دانید چیست، شما چرا از بین این همه شغل رفته‌اید گاودار شده‌اید و به فکر تولید افتاده‌اید. برادر من در حال حاضر تمام تولیدات ما را کشور چین تأمین می‌کند پس ما نیاز به تولید کالایی نداریم که شما و امثال شما بخواهید آن را تولید کنید. پس بهتر است تا دیر نشده بروید کارمندی، حقوق بگیری، چیزی شوید.

--- ۹۰/۸/۱۴

یک دانشمند ایرانی خارجی شده: بنده دانشمند فیزیک دانشگاه برکلی آمریکا هستم. ما در آزمایشگاهمان موفق به ساخت یک رادیو شدیم که حتی با میکروسکوپ‌های معمولی هم قابل مشاهده نیست. متأسفانه از روی حواس پرتی با ظرف محتوی این رادیو،

آب خوردم و فکر می‌کنم آن را بلعیده باشم. چند شب پیش در خواب دیدم که صداهای ناهنجاری مغز مرا آزار می‌دهد، فکر کردم شاید مشکل از همان رادیو باشد ولی خوشبختانه تاکنون در بیداری مشکلی برایم پیش نیامده است. فردا هم قرار است برای کنفرانسی به کشور شما سفر کنم. خوشحال می‌شوم تعبیر خواب خودم را در روزنامه شما بخوانم.

اینجانب: دانشمند عزیز، به شما توصیه می‌کنم جانب احتیاط را رعایت کرده و تا موقعی که از دفع رادیوی مذکور کاملاً مطمئن نشدید وارد ایران نشوید چون ممکن است خوابتان تعبیر شده و پارازیت‌های مختلف روی فرکانس رادیوی قورت داده شما بیفتد و مغز و روان شما را آزار دهد. مخصوصاً شما که به آب و هوای اینجا عادت ندارید.

یک مادر نگران: دیشب در خواب دیدم که هر سئوالی که از فرزندم می‌پرسم جواب‌های عجیب و غریب به من تحویل می‌دهد که همین امر باعث شده بود چند جفت شاخ روی سرم سبز شود! مثلاً وقتی ازش پرسیدم دو دو تا چند تا می‌شود گفت شونصدتا! وقتی پرسیدم هفت هشت تا، گفت سه هزار میلیاردتا! من برای آینده این بچه نگرانم. به نظر شما چه کار کنم؟

اینجانب: مادر محترم، به نظر من شما اصلاً و ابداً نباید نگران فرزند خود باشید چون من به شما قول می‌دهم که فرزند شما به یک مقام عالی و بلندمرتبه دست پیدا خواهد کرد و مدیرعامل بانکی یا مسئول آمار جایی می‌شود و حتی ممکن است باز هم ارتقاء یابد و وزیری چیزی از آب در بیاید. به شما توصیه می‌کنم اگر در بیداری مشاهده کردید که جواب دودوتا را درست می‌دهد حتماً به یک روان‌پزشک متخصص کودکان مراجعه نمایید و اگر جوابی نگرفتید پیش رمالی، فالگیری، چیزی ببریدش.

یک دانشجوی دختر: چند شب پیش خواب دیدم که گروهی سرزده به خوابگاه دانشجویی ما وارد شدند. علت را که جویا شدیم گفتند آمدیم اتاق مد راه بیاندازیم، زود یک اتاق را خالی کنید. ما گفتیم خانم محترم ما خودمان اتاق آنقدر کم داریم که بعضی از بچه‌ها انباری و زیرزمین و سایر مکان‌های قابل استفاده و غیر قابل استفاده را کرده‌اند اتاق دانشجویی، آن وقت شما می‌گویید یک اتاق را برای اتاق مد خالی کنید؟ گفتند بخشنامه شده به ما ربطی ندارد، ما کار خودمان را می‌کنیم. سپس اسباب اثاثیه یکی از اتاق‌ها را ریختند بیرون و چند میز کوتاه و صندلی گذاشتند داخلش و یک آلبوم به ما دادند و گفتند این‌ها را خودتان بدوزید و خودتان هم ببوشید و در این اتاق به سایر همکلاسی‌هایتان نشان بدهید تا آنها نیز مشتاق شوند از این مدل‌ها استفاده نمایند. به نظر شما مدل‌هایی که خودمان عرضه می‌کنیم چه ایرادی دارد که حال آمدند مدل به ما ارائه می‌کنند؟

اینجانب: دانشجوی گرامی، خودتان باید بهتر از من بدانید که هر چند وقت یک بار طرحی را تصویب می‌کنند و با کیفیتی که خودتان هم تصویرسازی کردید اجرا می‌نمایند و فردا هم به فراموشی سپرده می‌شود. این وسط چند شرکت هم که تجهیزات مختلف این طرح‌ها را تأمین می‌کنند حسابی سود می‌برند. پس شما کفایت بگویید چشم و اسباب و اثاثیه خود را مجدداً ببرید داخل اتاق و در همان اتاق طبق روال سابق مدل‌های خود را عرضه نمایید، چون چند روز دیگر این طرح هم به فراموشی سپرده می‌شود.

ساکن یک کلان‌شهر: در خواب دیدم که عده زیادی از مردم شهرمان به علت تصادفات کشته شدند و تعداد زیادی نیز به علت آلودگی هوا و تعدادی دیگر هم به علت سکته قلبی، اعتیاد، ایدز و سایر موارد دیگر جانشان را از دست داده‌اند. به نظر شما آیا می‌شود برای یک شب هم که شده خواب ببینم که تمام موارد مذکور دیگر وجود ندارد و همه در صلح و صفا و صمیمیت و سلامتی کامل زندگی می‌کنند؟

اینجانب: ساکن عزیز، آرزوی شما شاید در ظاهر آرزویی خوب و البته دست یافتنی باشد ولی به شما توصیه می‌کنم دیگر این حرف را بر زبان نیاورید و آرزویی چنین شیئی را نکنید چون مطمئناً در شیئی که چنین خوابی را ببینید از فرط خوشحالی سکته کرده و به جمع همان‌هایی که در شب‌های گذشته خوابشان را می‌دیدید خواهید پیوست.

یک سلول عصبی: شنیدم می‌خواهند برای ما هم بانک تأسیس کنند. دارم خواب می‌بینم یا در رویا هستم؟!

اینجانب: سلول عزیز، تا آنجا که من می‌دانم سلول‌ها خواب نمی‌بینند، پس رویای شماست که دارد به واقعیت تبدیل می‌شود. البته باید این نکته را فراموش نکنید که وقتی در بانک قرار گرفتید باید سربریز شده و دیگر حالت عصبی به خود راه ندهید و آشوب و بلوا راه نیاندازید، وگرنه از بانک اخراجتان خواهند کرد!

---۹۰/۸/۲۱---

یک دختر میلیاردر: چند شب پیش خواب دیدم که پدر بزرگوارم ویلای ۳ میلیون دلاری خود را به قیمت یک دلار به من فروخته است. اما دیروز پدرم این ویلا را به دو دلار به من فروخت. هر چی هم چانه زدم و گفتم که خواب دیدم که یک دلار ویلا را به من فروختی به خرجش نرفت که نرفت. در جواب هم به من گفت که "دخترم من این پول را که از سر راه نیاوردم که به دلار هم به تو تخفیف بدم." به نظر شما آیا بهتر نبود پدرم به خواب من بیشتر توجه می‌کرد و یک دلار اضافی را از من نمی‌گرفت؟

اینجانب: سرکار خانم خاوری گرامی! اول اینکه پدرتان حق داشت که فرمودند: "این پول را که از سر راه نیاوردم." چون این پول‌ها را از جیب ملت برداشته‌اند نه از سر راه که بیاید دو دستی تقدیم شما بکند. شما اگر از این موضوع خیلی ناراحت هستید می‌توانید شماره حساب کانادایتان را برای اینجانب ارسال نمایید تا یک دلار مورد مناقشه شما و پدر بزرگوارتان را حواله نمایم تا دیگر هیچ کدورتی بین پدر و دختر باقی نماند.

یک زندانی مهریه: چند شب پیش خواب دیدم که در سلول عمومی‌مان آنقدر زندانی وجود دارد که جا برای خوابیدن نداریم. در حال حاضر درست است که تعدادمان در یک بند زیاد است ولی به این حدی که در خواب دیدم نیست. به نظر شما تعبیر این خواب چه می‌شود؟

اینجانب: زندانی عزیز، خواب شما همچین بیراه هم نیست. با توجه به اینکه روز به روز بر تعداد سکه‌های طلای مهریه افزوده می‌شود و طلا نیز روز به روز در حال گران شدن است و حتی دلار نیز دارد بالا می‌رود و خلاصه همه چیز در حال صعود می‌باشد، مطمئناً هر چه صعود بیشتر باشد، برای بعضی دیگر سقوط‌های وحشتناک‌تری روی خواهد داد که با توجه به موارد مذکور قریب به یقین بر تعداد زندانیان مهریه افزوده خواهد شد و با توجه به کمبود زندان‌ها، نه تنها دیگر جایی برای خوابیدن در سلول خود پیدا نخواهید کرد بلکه در سال‌های آتی ممکن است کمبود جا در سلول شما چیزی بدتر از همین متروهای موجود شود.

یک شهروند تهرانی: چند شب پیش خواب دیدم که یکی از مسئولان عنوان کرده است که ایشان آلودگی هوای شهر تهران را مدیریت می‌کند. همان موقع وقتی پرده را کنار زدم و از پشت پنجره آسمان را نگاه کردم دیدم هوای آلوده هی به سمت چپ و راست می‌رود انگار که خودش هم گیج شده که باید کدام طرف برود. به نظر شما روش مدیریت ایشان چگونه است که حتی خود آلودگی هوا نیز دچار باتکلیفی شده است؟

اینجانب: تهرانی عزیز، تا آنجا که بنده و رئیس ستاد محیط زیست و توسعه پایدار شهرداری تهران اطلاع داریم در حال حاضر مدیریت آلودگی هوای شهر تهران بر عهده باد است و مدیریت آن را باد بر عهده گرفته است. به همین دلیل بود که وقتی شما از پشت پنجره آسمان را نگاه کردید دیدید که هوای آلوده هی به سمت چپ و راست می‌رود. البته این نکته را باید عرض کنم، باد و مسئولان نداریم که، هر کدام وقت کردند می‌توانند مدیریت آلودگی هوا و سایر قسمت‌ها را بر عهده بگیرند، تازه مزیت باد این است که حقوقی هم دریافت نمی‌کند و می‌توان حقوق باد را داد به مدیر اصلی.

یک دانشجوی دانشگاه امیرکبیر: هفته پیش خواب دیدم که در حمام خوابگاه به علت گاز گرفتگی جان به جان آفرین تسلیم کردم. چهار شب پیش هم خواب دیدم که هنگام سوار شدن به آسانسور به علت نبود کابین از طبقه دوم افتادم و باز جان به جان آفرین تسلیم کردم. دیشب هم خواب دیدم که سقف اتاق خوابگاهمان روی سرم خراب شد. شما بگویید بالاخره تکلیف من چیست. من به مرگ طبیعی خواهم مرد یا غیر طبیعی؟

اینجانب: دانشجوی گرامی، اگر این اتفاقات هم برایتان رخ دهد باز شما به مرگ طبیعی دارفانی را وداع خواهید کرد چون اینگونه حوادث در عصر حاضر جزو حوادث طبیعی محسوب می‌شود و حوادثی مثل زلزله، سیل و این قبیل موارد جزو حوادث غیر طبیعی به شمار می‌آید. البته می‌توان به دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه در یک ترم تحصیلی آموزش‌های لازم ایمنی در برابر حوادث طبیعی و غیر طبیعی را داد و بعد از قبولی در آن اجازه ادامه تحصیل به آنها داده شود. ولی به شما توصیه می‌کنم با توجه به موارد ذکر شده شما یا ادامه تحصیل را انتخاب کنید یا گرفتن جشن تولد سال آینده‌تان را.

---۹۰/۹/۵

یک جوان بیکار: دیروز در خواب آگهی استخدامی را دیدم که نوشته شده بود به تعدادی جوان با چهره و سر و وضع نامرتب با حقوق پایه ماهیانه یک میلیون تومان به همراه پورسانت عالی نیازمندیم. درجا به اتفاق یکی از دوستانم رفتیم به آدرسی که در زیر آگهی نوشته بود. یک شرکت شیک با کلی منشی و خدم و حشم! در آنجا فرمی ده صفحه‌ای به ما دادند و از ما خواستند تمامی کارها و فعالیت‌هایی که بلد هستیم را در آن به طور دقیق قید نماییم. ما هم فرم را پر کردیم و دادیم دستشان. گفتند بروید اتاق بغل آزمون تئوری بدهید. آزمون تئوری را هم دادیم با اینکه سؤالاتش عجیب و غریب بود. رسیدیم به آزمون عملی که عجیب و غریب‌تر از آزمون تئوریشان بود. آخر سر بین کلی مراجعه کننده بالاخره توانستیم با مدارک و مهارت‌هایی که داشتیم قبول شویم. آنقدر مشغول طی کردن پرونده‌یمان شدیم که اصلاً یادمان رفت بپرسیم کارشان دقیقاً چیست تا اینکه بعد از اعلام قبولی پرسیدیم خب حالا باید چی کار کنیم. فرمودند این کاسه را بگیرد بروید سر فلان چهارراه بیاستید! گفتند اگر کارتان خوب باشد علاوه بر آن یک میلیون حقوق ماهیانه، پورسانت هم بهتان می‌دهیم. شما بگویید آخر من جوان تحصیل کرده با این همه مدارک در خواب باید بروم متکدی شوم!؟

اینجانب: جوان عزیز، شما خیلی بدشانس هستید چون فقط در خواب چنین شغل نون و آبداری بهتان پیشنهاد شده است وگرنه در بیداری به همین راحتی‌ها که چنین شغل پردرآمدی را به من و شما نمی‌دهند. به شما توصیه می‌کنم در بیداری سری به مکانی که آن آگهی را دیده بودید بزنید. شاید هنوز هم کمی شانس برایتان باقی مانده باشد. لطفاً آدرس را که گرفتید به ما هم یک ندایی بدهید.

یک آسیب پذیر: چند شب پیش خواب دیدم که برای خرید به بقالی سر کوچه‌یمان رفته‌ام و بعد از خرید چند قلم کالا یک ده هزارتومانی به مغازه‌دار دادم. منتظر دریافت مابقی پولم بودم که پیهو دیدم مغازه‌دار یک گالن یک لیتری گذاشت روی پیشخوان و گفت این هم بقیه پولتون! در اینجا بود که از خواب پریدم. نظر شما در رابطه با این خواب چیست؟

اینجانب: آسیب پذیر عزیز، خواب شما بدین معنی است که به زودی همین گالن‌های نفت یک لیتری و چند لیتری جایگزین پول ما خواهد شد چون قرار است نفت خام را به صورت اوراق سلف نفتی به شما عرضه کنند. همچنین با اجرای این کار می‌توان نفت خام را به عنوان حقوق به کارمندان و کارگران بدهند و به مرور زمان جایگزین واحد اصلی پول کشور نمایند.

یک معلم تاریخ: خواب دیدم در دادگاهی حضور دارم و وکالت شخصی را بر عهده گرفته‌ام که ظاهراً روح یکی از پادشاهان کهن ایران زمین بوده است. حضار هم شاگردانم هستند و ریاست دادگاه هم بر عهده وزیر آموزش و پرورش. درست بعد از اینکه اتهام‌های موکلم قرائت شد بلافاصله رای دادگاه صادر گردید بدون آنکه من و روح پادشاه بخت برگشته که در دادگاه حضور داشت یک کلمه‌ای بر زبان بیاوریم. حکم نهایی هم این شد: حذف از کتب تاریخی ایران. به نظر شما برای یک روح می‌توان دادگاهی تشکیل داد و چنین حکمی را برایش صادر نمود؟

اینجانب: دبیر عزیز، خودتان بهتر می‌دانید که این پادشاهان پدرسوخته که ۲۵۰۰ سال از عمر ایران را به هدر داده‌اند و ما را از اروپاییانی که آن زمان وجود خارجی نداشتند عقب انداختند باید به نوعی حتی به شکل غیابی هم که شده محاکمه و مجازات شوند. چون به این علت که ما به آنها دسترسی نداریم و به روحشان هم نمی‌توان حکم در خورد توجهی نثار کرد، تنها یک راه باقی می‌ماند و آن حذف از کتب تاریخی ایران است. پس بگذارید کتب تاریخی ایران کمی خلوت شود!

---۹۰/۹/۲۶---

یک قهوه‌چی: دیشب خواب دیدم که یک مشتری هم وارد قهوه خانه من نشد. من هم از فرط بیکاری هی برای خودم چای پررنگ می‌ریختم و می‌خوردم که ناگهان فکری به ذهنم خطور کرد و تصمیم گرفتم هر چایی که می‌خورم پولش را بگذارم داخل دخل. سر آخر موقع رفتن به خانه کل پول جمع شده از دخل را برداشتم و با شادی مضاعف به خانه رفتم. به نظر شما این شیوه خوبی برای مدیریت یک قهوه خانه است؟

اینجانب: قهوه‌چی عزیز، از اینکه اینقدر آدم ساده‌ای هستید خوشحالم چون هیچ وقت پیر نشده و سگته نخواهید کرد. این خواب شما تعبیر بدی دارد که البته با طرز فکر شما فکر نمی‌کنم تاثیری روی روند زندگی شما و امثال شما بگذارد. تأثیر آن را ما و مردم دیگر خواهیم چشید. فقط این نکته را بدانید که آن چای پررنگ در اصل ذخایر نفتی و گازی ماست که قرار است به مردم خودمان پیش فروش شود نه چای دیشلمه یک قهوه خانه که شما در خوابتان مشاهده کردید.

یک سرپرست خانوار: خواب دیدم که در منزلمان یک صندوقی به نام "صندوق ذخیره فرضی" درست کرده بودیم و هر روز پولی که اضافه می‌ماند را درون آن می‌ریختم. ولی آخر ماه که درش را باز کردیم یک قران هم داخلش نبود. به نظر شما این خواب نشان دهنده‌ی چیست؟

اینجانب: عزیز دل برادر، بر اساس گفته‌های خودتان این صندوق ذخیره فرضی بوده نه حقیقی، پس مقدار پولی هم که ظاهراً داخلش می‌ریختید فرضی بوده نه واقعی. برادر من، مشکل از صندوقی که در خواب دیدید نبوده است، شما می‌بایست مشکل را در خودتان جستجو کنید و ببینید که آن پول‌های حقیقی را در کجا حیف و میل کرده‌اید که نمی‌خواهید صدایش را در بیاورید.

یک کارگر بازار فرش: چند شب پیش خواب عجیبی دیدم که باعث شده است چند شب پیاپی دیگر خواب به چشمانم نیاید. خواب دیدم که مرحله دوم طرح قانون هدفمندی یارانه‌ها اجرا شده و من را از لیست یارانه بگیران حذف کرده‌اند ولی تمامی تاجران عمده فرش از جمله ارباب من همچنان یارانه‌یشان را دریافت می‌کنند. آخر این چه خوابی بود که من دیدم؟!

اینجانب: کارگر عزیز، هر کسی خربزه می‌خورد پای لرش هم باید بنشیند. شما همان چند سال پیش موقع پر کردن فرم‌های خانوار می‌بایست آن طور که باید فرم‌ها را پر می‌کردید نه آنکه هر چی داشتید و نداشتید را در آن قید می‌کردید، درست مثل

تاجران مذکور. مطمئن باشید اگر فرم پر شده ارباب خود را ببینید خودتان حاضرید ماهیانه یک چیزی هم دستی به وی بدهید تا از گشنگی نمیرند.

یک مهندس بیکار شده صنعت نفت: خواب دیدم که ما به جای آنکه نفت تولید و صادر کنیم، داریم نفت وارد می‌کنیم. به نظر شما این خواب نشان دهنده چیست؟

اینجانب: مهندس عزیز، خواب شما یک تعبیر اخلاقی دارد و نشان دهنده این موضوع است که در شرایط بحرانی اگر هم خودتان در مضیقه هستید باید دست معدود دوستان خود را که وضعشان از شما بدتر است را بگیرید. پس این موضوع را آویزه گوش خود کنید و این قدر گلابه و شکایت نکنید و در عوض به بعضی از هموعان خود که از شما محتاجتر هستند کمک نمایید.

یک کارمند جزء: خواب دیدم که برای افتتاح یک پروژه عظیم ارتباطی ما را به وسط کویری برده‌اند. در آنجا دو چوب روی زمین کاشته و یک رومان به آنها بسته بودند. چند نفری هم آنجا با چند کیف و چمدان حاضر بودند. یکی از حضار قیچی افتتاح پروژه را گرفت و رومان را برید. سپس دو طرف کیف‌ها و چمدان‌هایی رد و بدل کردند و سوار ماشین‌هایشان شدند و رفتند. راستش من هر چی در آن برهوت دنبال چیزی گشتم که نشان دهد برای افتتاح آن آمده باشند چیزی نیافتم. به نظر شما این چه افتتاحیه‌ای بود؟

اینجانب: عزیز دل برادر، این پروژه‌های ارتباطی با آن پروژه‌های ارتباطی مخابراتی فرق دارد. احتمالاً این پروژه نیز مثل پروژه‌هایی هست که در آن کیف و چمدان‌های ۳ هزار میلیاردی هزینه‌های پروژه رد و بدل می‌شود. به شما توصیه می‌کنم اگر خودتان را دوست دارید، دیگر قید دیدن چینی خواب‌هایی را بزنید.

---۹۰/۱۰/۳

یک بیمار قلبی: خواب دیدم که یک قلب مصنوعی پیشرفته جدید در کشور اسپانیا به من پیوند زده‌اند. همه چیز در آنجا خوب بود ولی به محض آنکه وارد کشور شدم دکترها از آنجا برایم زنگ می‌زدند و هی جوپای حال من می‌شدند. علت را که از آنها پرسیدم گفتند که ظاهراً قلب مصنوعی جدید با استفاده از اینترنت اطلاعات حیاتی قلب را به مرکز آنها ارسال می‌کند ولی جدیداً اطلاعات ارسالی هیچ ربطی به قلب من نداشته و مربوط به سایر اعضای بدنم مثل معده و روده بوده است! به نظر شما مشکل این خواب از کجاست؟

اینجانب: بیمار عزیز، ظاهراً شما وضعیتان خوب است که از چنین قلب مصنوعی برخوردار شده بودید ولو در خواب. البته شما که اینقدر وضع مالیتان خوب بوده است باید به این نکته توجه می‌کردید که دسترسی به اینترنت در اینجا و آنجا تومنی سه زار فرق می‌کند. احتمالاً اطلاعات قلبتان فیلتر شده بود و این مسئله باعث شده بود که سایت مذکور به جای قلبتان، پزشکان را به سایر قسمت‌های دیگر بدنتان هدایت کند و باعث گیج شدن پزشکانتان شود. پس یا بروید یک قلب آنالوگ روی بدنتان نصب کنید یا

بروید و در همان اسپانیا سکونت گزینید تا دیگر چنین مشکلاتی در بیداری گریبانتان را نگیرد چون ممکن است این بار قلبتان نتوانید از دست فیلترینگ قسر در برود.

یک جوان عشق موسیقی: چند شبی هست که خواب‌های عجیب و غریب زیاد می‌بینم. یک شب خواب دیدم که برای گاو موسیقی زدم، شیرش دو برابر شد. شبی دیگر دیدم برای گیاهی موسیقی نواختم، رشدش دو برابر شد. باز شبی خواب دیدم که در بیمارستانی موسیقی نواختم، حال چند بیمار زودتر از موعد مقرر خوب شد. دیشب هم که خواب دیدم در فاضلابی موسیقی نواختم که باعث شد آب زلال زلال شود. گرچه تمام این خواب‌ها جنبه علمی هم دارد و در مقالاتی صحت آن را خوانده‌ام ولی باز برایم قابل هضم نیست. به نظر شما تکلیف چیست؟ موسیقی بالاخره بد است یا خوب؟ آیا تاثیرات مثبتی دارد یا منفی؟

اینجانب: دوست عزیز، این مسئله دقیقاً بستگی به مکانی دارد که شما موسیقی را می‌نوازید. پس به شما توصیه می‌کنم در جایی موسیقی بنوازید که اثر مثبتی برای شما و دیگران داشته باشد نه اثرات منفی برای خودتان.

یک مادر دلسوز: چند وقتی بود پسرم اصرار می‌کرد که ببرمش باغ وحش تا شیر جنگل را از نزدیک ببیند. بالاخره بعد از مدت‌ها توانستم وقتم را تنظیم کنم و ببرمش باغ وحش تا شیر را از نزدیک ببیند. وقتی پسرم در باغ وحش شیر را از نزدیک دید به من گفت: "مامان این که فقط یه گریست با یال و کوپال!" گفتم: "نه مادر جان این شیر رژیمی فقط یکم از حد معمول لاغرتر شده و گرنه همون شیری هست که تو مستندها دیدی." خلاصه قبول نکرد و هی هر روز اصرار می‌کرد که من می‌خواهم یه شیر واقعی را از نزدیک ببینم. ولی یک روز دیدم که دیگر در مورد دیدن شیر چیزی به من نگفت. ازش پرسیدم: "چیه پسرم، بالاخره تو خوابت یه شیر واقعی بزرگ دیدی که دیگه اصراری به دیدن شیر نداری؟" گفت: "نه مامان، دیروز موقع برگشتن از مدرسه تو خیابون دیدم!" به نظر شما چرا پسرم خوابی را که دیده منکر می‌شود و اصرار می‌کند که در واقعیت شیر دیده است؟

اینجانب: مادر گرامی، چرا شما تمام چیزهایی که برایتان قابل درک نیست را به پای دروغگویی فرزندتان می‌گذارید. خود من هم شیر مذکور را چند روز پیش در خیابان دیده‌ام. اتفاقاً با وجود بچه بودنش حداقل ظاهر منتقی‌تری نسبت به شیرهای باغ وحش‌های داخلی داشت. تازه نیاز به خرید بلیط هم نبود، همانجا وسط خیابان نشسته بود و به مردم زل زده بود و مردم هم متقابلاً با چشمان ورقلمبیده به او زل زده بودند. پس مادر عزیز سعی کنید هر چیزی را به پای خواب دیدن نگذارید چون خیلی واقعیت‌ها در زندگی هر شخصی به وجود می‌آید که خیال می‌کند دارد خواب می‌بیند ولی اگر کمی فکر کند و اخبار را پیگیری نماید متوجه می‌شود که نخیر بیدار تشریف دارد.

--- ۹۰/۱۰/۱۷

یک شهروند عادی: دیروز در خواب برای خرید مرغ به فروشگاه‌های مراجعه کردم. فروشنده مرغ را به همراه یک سی‌دی، داخل نایلون گذاشت و داد دست من. با تعجب پرسیدم این سی‌دی دیگر چیست؟ گفت سی‌دی اعتراف مرغ مذکور به ذبح شدنش است،

تازه زیر نویس فارسی هم دارد! در همین لحظه از خواب پریدم. به نظر شما دیدن این قبیل خواب‌های پریشان نشان دهنده چیست؟

اینجانب: شهروند عزیز، بر اساس اطلاعات ما یکی از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران گفته است که ۲۰ درصد مرغ‌های موجود در بازار قبل از ذبح مرده‌اند. فکر می‌کنم در آینده‌ای نزدیک برای اینکه این شائبه ایجاد نشود که چنین اتفاقی در حال رخ دادن است مسئولان تنها راهکار موجود را در این بینند که همراه هر مرغ فیلمی از اعترافات مرغ مذکور با این عنوان که وی قبل از ذبح زنده و سالم و سر حال بوده است را به مردم عرضه نمایند و چون عموم شهروندان قادر به فهم و درک صحبت‌های مرغ نیستند با زیر نویس فارسی ارائه کنند تا همگان متوجه لپ کلام مرغ ذبح شده بشوند. البته به شما توصیه می‌کنم زیاد به این فیلم‌ها اعتماد نکنید چون نه می‌توان هویت مرغ در نایلون را با مرغ داخل فیلم مطابقت داد و نه می‌توانید ثابت کرد که ما بین گرفتن فیلم از مرغ مذکور و ذبح شدنش (حتی اگر هم چند دقیقه‌ای بیشتر نباشد) مرغ مذکور نمرده باشد.

یک مسئول کتابخانه: چند شب پیش در خواب دیدم که در محفلی در حال سخنرانی هستم. در حین سخنرانی با گفتن این جمله که امروز در عرصه جهانی به راهکارهایی مانند گفتمان نیاز داریم و با فیلترینگ نمی‌توان فضا را اداره کرد، مورد تشویق حضار قرار گرفتم. به نظر شما این حرف من اینقدر تاثیر گذار بود که موجب تشویق بنده شود؟

اینجانب: جناب مسئول کتابخانه، شما دیگر چرا؟ مگر نمی‌دانید که اگر کوچکترین صحبتی در محیطی مثل کتابخانه رخ دهد باعث اعتراض و داد و بیداد ساینده شده و حتی با ادامه آن ممکن است کار به هرج و مرج و آشوب نیز بکشد. حال چه برسد به گفتمان که از صحبت عادی هم طولانی‌تر و بلندتر خواهد بود. پس مطمئناً کسانی که در خواب شما را تشویق کرده‌اند یا حرف شما را بد متوجه شدند یا اینکه داشتند مثل شما خواب می‌دیدند. پس بهتر است در سخنرانی‌ها و کنفرانس‌های خود در بیداری حواستان را بیشتر از اینها جمع کنید تا حرف‌های نامربوط نزنید.

یک قبر خر: دیشب در خواب قبری با موقعیت بسیار مناسب با قیمت ۴۸۰ میلیون تومان به من پیشنهاد شد. درجا خریدمش و یک ساعت بعد توانستم به قیمت ۸۰۰ میلیون تومان به شخص دیگری بفروشم. بنده در این ده سالی که قبر خرید و فروش می‌کنم تاکنون قبری با چنین قیمتی ندیده و نشنیده بودم. به نظر شما اگر چنین قبری واقعا موجود باشد آیا به خوابم اعتماد کنم و آن را به قیمت به این بالایی بخرم؟

اینجانب: قبر خر گرامی، اتفاقاً همان دیشب پیام کوتاهی با این مضمون که قبری در مشهد که تنها قبر یک طبقه آن منطقه است، با پنجره‌ای رو به چشم اندازی خاص با قیمت پایه ۴۸۰ میلیون تومان به فروش می‌رسد، به دستم رسید. شماره تماس و آدرس را برایتان ارسال می‌کنم. امیدوارم خوابتان تعبیر شده و سود خوبی را از این کار خیر کسب نمایید. پورسانت ما هم فراموش نشود. در ضمن اگر هم موفق به فروش آن با قیمتی بالاتر نشدید می‌توانید برای خودتان کنار بگذارید و به داشتن چنینی قبری به خود ببالید.

یک دانش آموز ابتدایی: چند شبی هست که مدام خواب می بینم که به من برگه هایی را می دهند تا امضاء کنم. من هم با مداد زیر برگه ها را امضاء می کنم ولی مجدداً فردای همان روزی که برگه ها را امضاء کردم خواب می بینم که همان برگه ها را داده اند دستم و من دارم با پاکن امضاهای خودم را از زیرش پاک می کنم. به نظر شما این خواب چه تعبیری در زندگی من می تواند داشته باشد؟

اینجانب: دانش آموز عزیز، تعبیر این خواب بسیار شفاف و مشخص است. شما به احتمال بسیار زیاد در آینده نماینده مجلس خواهید شد چون تنها در آنجاست که هر روز زیر بعضی از نامه ها را به طور دسته جمعی امضاء می کنند و فردایش مجدداً به صورت دسته جمعی امضاهایشان را پس می گیرند تا از حد نصاب بیفتد.

--- ۹۰/۱۱/۸

یک مهندس کامپیوتر: در خواب دیدم که داخل هر اتاق یک تلفن ثابت با خطی جدا وجود دارد، حتی داخل سرویس بهداشتی و حمام. تازه عجیب تر از آن این بود که از طریق این تلفن ها با هم حرف می زدیم. مثلاً من از اتاق خواب زنگ می زدم به خانم در آشپزخانه و یا دخترم از اتاق خودش زنگ می زد به پذیرایی و احوال برادرش را می پرسید. باز از این همه عجیب تر این بود که به غیر از شماره های داخلی منزل هیچ شماره دیگری را نمی توانستیم بگیریم. باز از همه اینها عجیب تر این بود که همه درها و پنجره ها هم قفل بودند و نمی توانستیم بیرون برویم. نهایتاً می توانستیم از پنجره بیرون را تماشا کنیم و به عابرینی که از کوچه و خیابان می گذشتند نگاه کنیم و حسرت بخوریم. شما بگویید تعبیر این خواب عجیب و غریب چیست؟

اینجانب: مهندس کامپیوتر عزیز، بهتر است به زبان تخصصی خودتان با شما صحبت کنم که دقیق تر متوجه مطلب بشوید. به این سیستمی که شما در خواب دیده اید می گویند اینترنت یا همان اینترنت داخلی. یعنی یک سیستم کاملاً داخلی که به بیرون هم راهی ندارد و شما می توانید با سرعت بالا به اعضای خانواده خود دسترسی داشته باشید که این بزرگترین مزیت این سیستم است. البته این مسئله را باید در نظر بگیرید که دسترسی نداشتن به خارج از منزل حسن های زیادی دارد و باعث می شود اعصابتان راحت و عمرتان طولانی شود چون به منابع و مراکزی که شما را دچار دوگانگی و سپس تفکر می کند دسترسی ندارید و می نشینید و مثل یک بچه خوب به خانواده خود می رسید. همسر و دخترتان هم دچار فساد اخلاقی نمی شوند. پسران هم منحرف نمی شود و دنبال کارهای ناشایست نمی رود. با در نظر گرفتن این همه مزیت بنده پیشنهاد می کنم جنابعالی هر چه سریعتر با قفل کردن در و پنجره و انداختن قفل در چاه توالت به خوابتان جامع عمل ببوشانید تا مابقی عمر خود را بتوانید بدون هیچ دغدغه ی خاطری بنشینید و در و دیوار و تلویزیون ملی نگاه کنید.

یک مریض رو به موت: دیشب خواب دیدم که به شدت بیمار شده ام. دکتری را به بنده معرفی کردند. چون نمی توانستم از جایم بلند شوم دکتر بالای سرم آمد. این جناب دکتر به محض اینکه بالای سرم رسید یک دماسنج گذاشت زیر زبانم و درجا برداشت و

دماسنج را تکانی داد و انداخت داخل سطل آشغال و گفت مشکل حل شد، تا چند روز دیگر خوب می‌شوید! واقعاً خواب عجیبی بود. آخر با انداختن یک دماسنج در سطل آشغال حال مریض خوب می‌شود؟!

اینجانب: عزیز دل برادر، وقتی در بیداری برای جلوگیری از نوسانات دلار و ارز و طلا در بازار می‌آیند یک پایگاه خبری که نرخ ارز ، طلا ، فلزات گرانبها و ... که به صورت لحظه ای اعلام می‌کند را فیلتر می‌کنند و مشکل را می‌اندازند گردن آن سایت بخت برگشته، می‌خواهید در خواب با انداختن دماسنج در سطل آشغال حال مریض خوب نشود؟! شما دیگر چقدر بر توقع هستید.

یک مسؤل کافی نت: آقا ما نه در خواب آسایش داریم نه در بیداری. هر چیزی را که دیگران خواب می‌بینند روی ما پیاده می‌شود. می‌ترسم آخرین خواب برادرم که به تازگی دیده است تعبیر شود. خواب دیده که بخشنامه‌ای به دستمان رسیده است که هر کاربر قبل از آمدن به کافی نت و رفتن به اینترنت می‌بایست اول برود انگشت نگاری و آزمایش اعتیاد و خون بدهد، سپس برود استشهداد محلی جمع کند و به همراه دو ضامن معتبر و یک سفته یک میلیونی بیاید کافی نت، بعدش باید بنشینند و یک فرم ده صفحه‌ای را پر کند تا بتواند بنشینند پشت کامپیوتر و مثلاً نمره یک درسش را بگیرد! آخر شما بگوئید اگر چنین اتفاقی رخ بدهد، دیگر یک نفر هم می‌آید کافی نت؟ ما نان زن و بچه‌یمان را از کجا بیاوریم؟

اینجانب: دوست عزیز، مضمئن باشید کار به اینجاها نمی‌کشد چون به زودی زود اینترنت جمع شده و جای خود را به اینترنت یا همان اینترنت ملی می‌دهد و دسترسی به سایت‌های بیگانه از هر نوعی غیر ممکن خواهد شد. پس با این کار عملاً نیازی به این کارها نیست و بهتر بگویم اصلاً دیگر نیازی به کافی نت‌ها نیست. شما هم می‌توانید بروید از مزایای بیمه بیکاری که قرار است بعدها اجرایی شود استفاده کنید و نان زن و بچه‌یتان را بدهید.

---۹۰/۱۱/۱۵

یک شهروند موج گرفته: چند شبی است که خواب می‌بینم تکنسین‌های انگلیسی در کشورهای همسایه مستقر شده‌اند و دارند روی شبکه‌های ما پارازیت می‌اندازند. همین مسئله باعث شده بود که این امواج روی ما تاثیر گذاشته و ما را دچار موج گرفتگی مزمن کند. به نظر شما با توجه به این موضوع که کانال‌های داخلی ما در بیداری هیچگونه پارازیتی ندارد، آیا وجود چنین موج‌هایی صحت دارد؟ اگر بله، آیا به مرور زمان ما را دچار موج گرفتگی می‌کند؟

اینجانب: شهروند عزیز، بر اساس شنیده‌های محرمانه ما گروهی از تکنسین‌های انگلیسی دارند روی کانال‌های ما پارازیت می‌اندازند تا ما نتوانیم شبکه‌های داخلی خود را ببینیم ولی هر بار تلاششان نافرجام می‌ماند. به همین علت از لجشان پارازیت‌ها را روی شبکه‌های خود می‌اندازند که بگویند دستگاه‌های ما درست کار می‌کند. پس هر وقت دیدید که پارازیت‌های ارسالی توسط آنها روی شبکه‌های داخلی تاثیر گذاشت یعنی آن پارازیت‌ها مضر است و ممکن است به مرور زمان شما را دچار موج گرفتگی کند ولی اگر همان پارازیت‌ها روی شبکه‌های خودشان فعال شد، آن پارازیت‌ها نه تنها مضر نیستند و شما را دچار موج گرفتگی نمی‌کنند بلکه شما را دچار نشاط مضاعف نیز می‌کنند.

یک کاربر آمانور اینترنت: دیشب در خواب هنگامی که خواستم وارد جیمیل شوم، پیغامی نمایان شد و از من خواست که به چند سؤال امنیتی پاسخ دهم و در آخر شماره تماسم را در آن درج کنم. به همین دلیل قید آن را زدم و در یک سرویس دهنده ایمیل داخلی بدون آنکه هیچ مشخصه‌ای از خودم را وارد کنم، ثبت نام نمودم. ولی بعد از چند دقیقه به محض اینکه ایمیلی ارسال کردم دیدم که تمام مشخصات من در پروفایلم به صورت هوشمند ثبت شده است! به نظر شما واقعا اینقدر سیستم سرویس دهنده‌های ایمیل داخلی پیشرفت کرده است؟

اینجانب: کاربر آمانور عزیز، به شما توصیه می‌کنم اگر یک بار دیگر چنین خوابی را مشاهده کردید حتما مشخصات خواسته شده در جیمیلتان را ولو به اشتباه وارد نمایید و از همان سرویس قبلی خود استفاده کنید چون ممکن است همین سرویس‌های پیشرفته ایمیل داخلی در نوبت بعدی ورودتان به حساب کاربری، کل پرونده شما را در طول زندگی در پروفایل تان قرار دهند تا شما حواستان به ایمیل‌هایی که می‌فرستید باشد.

یک باری مضطرب: جناب اینجانب، چند شبی است که خواب از چشمانمان ربوده شده و ما حیران و گریان در بدر دنبال جا و مکانی می‌گردیم که سرمان را بگذاریم و کمی بخوابیم. به نظر شما تکلیف ما چیست؟

اینجانب: باری محترمه، اول اینکه به شما آدرس اشتباه داده‌اند چون بنده مسئول تعبیر خواب هستم نه مسئول پناه دادن به شما و پیدا کردن جا و مکان برای امثال شما. فقط می‌توانم به شما توصیه کنم که در منزلی که فعلا هستید بمانید و بیرون نیایید تا دچار مشکلات بعدی نگردید. البته کسانی هم که مثل شما هنوز به منازل راه پیدا نکردند زیاد نگران نباشند چون آنقدر کودک مهربان وجود دارد که حاضرند چند تا چند تا، شما را به فرزند خواندگی بگیرند و ببرند به منزلشان. فقط یک نکته خطاب به مسئولان باقی می‌ماند و آن اینکه مواظب باشند نرخ باری هم مثل نرخ ارز و دلار دچار نوسانات عجیب و غریب نشده و بالاتر نرود چون فقط در کشورمان بازار سیاه باری نداشتیم که آن هم به سلامتی با این اوضاع و احوال ممکن است شاهدش باشیم.

یک شهروند کره شمالی: من جی یونگ سو هستم. فارسی کم بلد هستیم. خواب دیدم نبودم در مراسم کیم جونگ ایل. مرا بردند اردوگاه. گفتند ۶ ماه کار اجباری انجام بده باید. من می‌باید چه کار کنم، بگوئید.

اینجانب: جی یونگ سو جان، خودکرده را تدبیر نیست یعنی از ماست که بر ماست. چطور بگم، یعنی کار از کار گذشت. بنده فقط به شما می‌توانم توصیه می‌کنم که توبه کرده و سال آینده در مراسم سالگرد این رهبر عزیزتان سنگ تمام بگذارید و خودتان را وسط جمعیت قیمة قیمة کنید تا لااقل سال آینده دچار شش ماه کار اجباری مجددی نشوید، شاید هم شانس آوردید و آن وسط مسطها شغل نان و آبداری هم در قحطی کره شمالی گیرتان آمد!

یک معلم دبستان: دیشب در خواب دیدم کتاب فارسی دختر و پسر که دوقلو هستند را در دستم گرفته‌ام و از دیدن اختلاف جملات کتابشان در حیرتم. مثلاً در کتاب دخترم نوشته شده بود "سارا کلی سکه دارد." و در همان قسمت از کتاب پسرم نوشته شده بود "دارا اصلاً پول ندارد." به نظر شما اگر چنین اتفاقی بیفتد نتیجه امر چه خواهد شد؟!

اینجانب: معلم عزیز، چنین اتفاقی در تمام مقاطع در حال رخ دادن است و نتیجه آن نیز کاملاً مشخص و نمایان است. به طور مثال نتیجه همین اختلافی که مثال زدید بر اساس نرخ طلا و ارز کنونی این می‌شود که "دارا الان سه سال است که در زندان به سر می‌برد." پس یا باید این اختلافات را قبول کنید و به زندگی‌تان ادامه دهید یا باید قید بچه‌دار شدن مجدد را بزنید تا آنها نیز به سرنوشت کودکان فعلیتان دچار نشوند.

--- ۹۰/۱۱/۲۹ ---

یک کاربر اینترنت با قلب عمل کرده: بنده حدود یک هفته پیش چند شب پشت سر هم خواب دیدم که هر چه تلاش می‌کنم که ایمیل را در گوگل و یاهو باز کنم موفق با این کار نمی‌شوم ولی در عوض سرعت لود شدن بعضی از خبرگزاری‌ها چند برابر گشته است. از ترس اینکه خوابم تعبیر شود الان حدود یک هفته‌ای می‌شود که اصلاً به اینترنت نرفته‌ام و چون تازه عمل قلب باز انجام داده‌ام می‌ترسم با تعبیر خوابم سگته سوم را هم بزنم و جان به جان آفرین تسلیم کنم. به نظر شما تکلیف بنده چیست؟

اینجانب: کاربر عزیز، بروید خدا را شکر کنید که در این مدت سری به اینترنت نزدیک و قصد چک کردن ایمیل‌هایتان را نداشتید و گرنه سگته سوم که هیچ، به صورت تیرباری تا سگته دهم دوازدهم پیش می‌رفتید. به شما توصیه می‌کنم به علت مشکلات قلبی که بیان کردید تا اطلاع ثانوی و به احتمال زیاد تا آخر عمر خود سمت اینترنت نروید چون همان طور که نمک برای مبتلایان به فشار خون سم است، اینترنت هم برای بیماران قلبی از سم بدتر است به طوری که باعث بالا رفتن آمار مرگ و میر در مبتلایان به بیماری‌های قلبی شده است.

یک مهندس کامپیوتر خود اشتغالزا: بنده با وجود اینکه با معدل بالای هفده و از یک دانشگاه معتبر در رشته کامپیوتر فارغ التحصیل شده‌ام سه سال است که به دنبال کار می‌گردم. چند شب پیش خواب دیدم که توانسته‌ام شغلی را در اینترنت برای خودم دست و پا کنم و با طراحی وب سایت‌های اینترنتی درآمدی کسب نمایم. بعد از دیدن این خواب تصمیم گرفتم به خوابم جامع عمل بپوشانم و دست به این کار بزنم تا شاید بعد از سه سال یک شغلی برای خودم ایجاد نمایم و دیگر منت این و آن را نکشم و منتظر وعده و وعید دیگران نمانم. اما درست چند ساعت پس از شروع کار متوجه شدم که تمام ایمیل‌هایی که درست کرده بودم از دسترس خارج شده‌اند و سایت کاری هم که درست کرده بودم فیلتر شده است. آدمم از فیلتر شکن استفاده کنم دیدم فیلتر شکن هم دیگر جواب نمی‌دهد. رفتم یک فیلتر شکن جدیدتر خریدم دیدم آن هم افاقه‌ای نکرد. سر آخر زیر لب چیزی گفتم و کامپیوتر را خاموش کردم و دوباره خوابیدم تا شاید در خواب راه کار عملی دیگری بر من الهام شود. ولی از شناس آب دوغ خیار بنده دیگر خوابی ندیدم که ندیدم. به نظر شما چه کار کنم و چگونه بخوابم که لااقل پاسخ این مشکل را در خواب ببینم؟

اینجانب: مهندس غرغروی عزیز، خودتان را خسته نکنید چون بعضی چیزها و بعضی آرزوها را حتی در خواب هم نمی‌توانید ببینید، چه برسد در بیداری، مخصوصاً مورد شما. به نظرتان با وجود اظهار بی‌اطلاعی از مشکلات به وجود آمده برای سی میلیون کاربر اینترنت و رد مشکل توسط مسئولان، ممکن است حتی در خواب راه حلی برای این مسئله پیدا کنید؟ به شما توصیه می‌کنم زیاد به خواب‌هایی که در این رابطه می‌بینید دل نبندید چون مطمئناً نتیجه مثبتی برایتان در بر نخواهد داشت. پس به جای خود اشتغالزایی با انجام کارهایی که خودتان بهتر می‌دانید، خودتان را به جایی بچسبانید و در داخل به استخدام جایی در بیابید و یا تعبیر خوابتان را در خارج از کشور جستجو کنید و در آنجا به آن جامع عمل بپوشانید. اگر به علت لج بازی راهکار اول را نمی‌توانید انجام دهید و به علت بی‌پولی از انجام راه کار دوم نیز عاجز هستید به شما توصیه می‌کنم یک کیسه صد کیلویی سماق تهیه نموده و تا آخر عمرتان بنشینید کنج منزل پدری و سماق بمکید تا روزگار خودش بگذرد. در ضمن اگر سماق مرغوب گیر آوردید یک کیسه هم برای من کنار بگذارید چون به زودی بنده نیز به صف شما ملحق خواهم شد.

مدیر یک شرکت ارائه دهنده اینترنت: چند شب پیش خواب دیدم که عده‌ای از کاربرانی که از شرکت من اینترنت گرفته‌اند بالای سر من ایستاده‌اند و از روی عصبانیت یکی یکی دارند موهای سرم را می‌کنند. به نظر شما بنده برای تأمین امنیتم چه کنم؟

اینجانب: مدیر محترم شرکت ارائه دهنده خدمات اینترنتی، مردم چه گناهی کرده‌اند که نهایتاً زورشان به شما می‌رسد؟! شما باید صحنه‌های اینچنینی را تحمل نمایید تا مردم لااقل کمی عصبانیتشان را سر شما خالی کنند تا کار به جاهای باریکتر کشیده نشود. حال برای اینکه کمتر زجر بکشید به شما توصیه می‌کنم موهایتان را از ته زده و از کلاه گیس استفاده نمایید تا درد کمتری موقع کندن موهایتان متحمل شوید.

نویسنده: فرهاد ناجی